

الدَّرْسُ السَّادِسُ



لِمَاذَا تَكْتُبَانِ دَرْسَكُمْ خَارِجَ الْغُرْفَةِ؟

برای چه درستان رابیرون اتاق می نویسید؟

المُعْجَم

«لِهَيْدِ الْأُسْرَةِ: این خانواده دارد» لا : نـ ، حرف نفی مضارع «لا تَلْعَبْ: نمی‌رویم» ما بِكَ؟: تو را چه می‌شود؟ مَرَّةً: بار، دفعه مَرَّتَيْنِ: دو بار مَرَضُ السُّكَّرِ: بیماری قند مَسَاءً: شب، بعد از ظهر مُسْتَوْصَفٌ: درمانگاه «جمع» مُسْتَوْصَفَاتٌ: نسخه	سَفَرَةٌ: سفر شَرَابٌ: شربت صُدَاعٌ: سردرد أَشْعُرٌ بِالصُّدَاعِ: سرم درد می‌کند تَشَعُّرٌ بِالصُّدَاعِ: سرش درد می‌کند صَغَطُ الدَّمِ: فشارخون طَائِرَةٌ: هواپیما عِنْدَكَ: داری (عَسَلْتُ: نزد + كِ : تو= نزد تو، داری) قَافِلَةٌ: کاروان لِ: دارد، برای	أَحَدٌ: یکی از، کسی تَخَلَّفُونَا: آن را می‌آفرینید أَرْبَعُونَ، أَرْبَعِينَ: چهل أَوَّلَى: یکم، نخستین «مؤنثِ أَوَّلِ» ثَانِيًا، ثَانِيَةً: دوم حَافِلَةٌ: اتوبوس حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ: قرص‌های مسکن «مفرد: حَبٌّ» زَوَّارٌ: زائران «مفرد: زَائِرٌ» سَافِرًا يُسَافِرُ: سفر کرد سفر می‌کند سَافِرًا: سفر کردند
--	--	---

۱- خانواده ی آقای فتاحی از کرمان به عراق برای زیارت شهرهای مقدّس نجف اشرف و کربلا و کاظمین و سامراء در (از طریق) کاروان زیارتی مسافرت کردند .

۲- آنان نخستین بار با هواپیما و دومین بار با اتوبوس مسافرت کردند .

۳- آقای فتاحی کارمند است و خانمش پرستار است .

در سفر فِي السَّفَرِ

۱ سَافَرْتُ أُسْرَةَ السُّيِّدِ فَتَاحِي مِنْ كِرْمَانَ إِلَى الْعِرَاقِ لِزِيَارَةِ الْمُدُنِ الْمُقَدَّسَةِ: النَّجَفِ الْأَشْرَفِ وَ كَرْبَلَةَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ وَ سَامِرَاءَ فِي قَافِلَةِ الزُّوَّارِ. ۲ هُمْ سَافَرُوا فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى بِالطَّائِرَةِ وَ فِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ بِالْحَافِلَةِ. ۳ السُّيِّدُ فَتَاحِي مَوْطِفٌ وَ زَوْجَتُهُ مُمْرِضَةٌ. ۴ لِهَيْدِهِ الْأُسْرَةَ سِنَّةٌ أَوْلَادٍ وَ بَنَاتٍ.

۴- این خانواده شش پسر و دختر دارد .

آقای فتّاحی : ای پسران من ؛ کجا می روید ؟

پسرها : به زیارت مرقد امام حسین (ع) می رویم .

۵- آقای فتّاحی : ای دخترهای من ؛ کجا می روید ؟

۶- دخترها : با برادرانمان به زیارت می رویم .

۷- یکی از پسرها: ای پدرم؛ ای مادرم ؛ کجا می روید ؟

۸- پدر : به درمانگاه می رویم .

۹- مادرتان سردرد دارد .

۱۰- پزشک : اسم مریض چیست ؟

۱۱- آقای فتّاحی : همسرم فاطمه خانم .

۱۲- پزشک : فاطمه خانم؛ تو را چه شده؟

۱۳- فاطمه خانم : سرم درد می کند .

۱۴- آیا فشار خون یا بیماری قند داری ؟

۱۵- نه ؛ فقط سرم درد می کند .

جَوَازُ بَيْنَ الْأَسْرَةِ كَفْتُغَمِيان خانواده

السَّيِّدُ فَتَّاحِي: أَيْنَ تَذْهَبُونَ يَا أَوْلَادِي؟

الأَوْلَادُ: تَذْهَبُ لِرِزَاةِ مَرْقَدِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ .



۵ السَّيِّدُ فَتَّاحِي: أَيْنَ تَذْهَبْنَ يَا بَنَاتِي؟ ۶ الْبَنَاتُ: تَذْهَبُ مَعَ إِخْوَتِنَا لِلزِّيَارَةِ.

۷ أَحَدُ الْأَوْلَادِ: أَيْنَ تَذْهَبَانِ يَا أَبِي وَيَا أُمِّي؟ ۸ الْوَالِدُ: تَذْهَبُ إِلَى الْمُسْتَوْصِفِ.

۹ - أُمُّكُمْ تَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ. - مَنِ الْمَرِيضُ؟

چه کسی مریض است ؟ جَوَازُ فِي الْمُسْتَوْصِفِ كَفْتُغَمِيان در درمانگاه

۱۰ الطَّبِيبُ: مَا اسْمُ الْمَرِيضِ؟ ۱۱ السَّيِّدُ فَتَّاحِي: زَوْجَتِي السَّيِّدَةُ فَاطِمَةُ.

۱۲ الطَّبِيبُ: مَا بِكَ يَا سَيِّدَةُ فَاطِمَةَ؟ ۱۳ السَّيِّدَةُ فَاطِمَةُ: أَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ.

چند سال داری ؟ ۱۴ - أَرْبَعُونَ سَنَةً. - چهل سال .

۱۴ أَعِنْدَكَ صَعَطُ الدَّمِ أَوْ مَرَضُ السُّكَّرِ؟ ۱۵ - لَا: أَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ فَقَطْ.

۱۵ - أَكُنْتُ لَكَ وَصْفَةً. - ماذا تَكْتُبُ فِي الْوَصْفَةِ؟

نسخه ای برایت می نویسم .

چه چیزی در نسخه می نویسی ؟

۱۶- قرصهای مسکن و شربت .

۱۷- طریقه استفاده اش چیست ؟

۱۸- در هر روز سه تا قرص ؛ صبح و ظهر و شب .

۱۶! الْخُبُوبُ الْمَسْكُونَةُ وَالشَّرَابُ. ۱۷- كَيْفَ الْإِسْتِفَادَةُ مِنْهَا؟

۱۸! ثَلَاثَةُ خُبُوبٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ: صَبَاحًا وَظَهْرًا وَمَسَاءً

وَالشَّرَابُ مَرَّتَيْنِ فِي كُلِّ يَوْمٍ.

و شربت در هر روز دوبار .



به مقایسه فعل‌های عربی و فارسی زیر توجه کنید.

فعل ماضی	ترجمه	فعل مضارع	ترجمه
أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ		أَنْتُمْ تَفْعَلُونَ	
أَنْتَ فَعَلْتَ		أَنْتَ تَفْعَلُ	
أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ	شما انجام دادید.	أَنْتُمْ تَفْعَلُونَ	شما انجام می‌دهید.

چرا ترجمه سه فعل عربی در فارسی فقط یک فعل است؟



پاسخ : ۱. چون در زبان فارسی فقط صیغه های مفرد و جمع داریم و مثنی (دو تا) نداریم .
۲. در فارسی فعل ها در مذکر و مؤنث بودن برابرند ولی در عربی این طور نیست .



ماذا تَأْكُلْنَ يا نساء؟
تَأْكُلْنَ طَعَامَ الْإِفْطَارِ.
غذای افطاری می خوریم .

ماذا تَأْكُلُونَ يا رجال؟
تَأْكُلُونَ طَعَامَ الْإِفْطَارِ.
غذای افطاری می خوریم .



هَلْ تَعْرِفُونَ هَذَا الْمُجَاهِدَ؟
نَعَمْ؛ نَعْرِفُهُ. هُوَ الشَّهِيدُ مُوسَى.
بله ؛ او می شناسیم . او شهید موسوی است .

ماذا تَفَعَّلَانِ أَيُّهَا الْوَالِدَانِ؟
نَلْعَبُ مَعًا.
باهم بازی می کنیم .



ماذا تَفَعَّلَانِ أَيُّهُمَا الْبِنْتَانِ؟
نَرْجِعُ إِلَى بَيْتِنَا مَعًا.
باهم به خانه مان برمی گردیم .

أَيْنَ تَقْرَأْنَ الْكِتَابَ؟
نَقْرَأُهُ فِي الْمَكْتَبَةِ.
کجا کتاب می خوانید ؟ آن را می خوانیم .

۱. در پاسخ به کلمه پرسشی «لِمَاذَا» می‌توانیم با «لِأَنَّ: برای اینکه» یا «لِ: برای» شروع کنیم؛ مثال:



لِمَاذَا تَكْتَبَانِ دَرَسَكُمَا خَارِجَ الْعُرْفَةِ؟
لِأَنَّ الْجَوَّ لَطِيفٌ جِدًّا.

لِمَاذَا تَنْظُرُ إِلَى الْبَعِيدِ؟
لِأَنِّي أَبْتَسَّرَعَنْ هُدُودِهِ.

چرا بیرون از اتاق درستان را می‌نویسید؟
برای این که هوا خیلی خوب است.

چرا به دور نگاه می‌کنی؟
چرا که من دنبال همدرد می‌گردم.

۲. حرف «لا» فعل مضارع را منفی می‌کند؛ مثال:
أَنَا لَا أَكْذِبُ مِنْ دَرُوعٍ نَمِيٍّ گویم.

بگزارید اکنون جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

أَنْتَ لَا تَطْلِمُ النَّاسَ. تو، به مردم ستم نمی‌کنی.

لِمَاذَا لَا تَكْتُبِينَ وَاجِبَاتِكِ؟

چرا تکلیف‌هایت را نمی‌نویسی؟

اکنون جمله‌های زیر را ترجمه کنید.



لِمَاذَا دَهَبْتِ إِلَى السُّوقِ؟

دَهَبْتُ لِشُرَاءِ خَاتَمٍ ذَهَبِي.

چرا به بازار رفتی؟

برای خرید انگشتر طلا رفتم



لِمَاذَا أَنْتُمْ مَسْرُورُونَ؟

لِأَنَّنا نَاجِحُونَ فِي الْمُسَابَقَةِ.

چرا شما خوشحالید؟

زیرا ما در مسابقه برنده شدیم.

التَّمارين

التَّمْرينُ الأوَّلُ

با توجه به متن درس، جمله درست و نادرست را معلوم کنید.

نادرست درست



١. ما كَتَبَ الطَّيِّبُ لِلسَّيِّدَةِ فَاطِمَةَ حُبُوباً فِي الوَصْفَةِ.



٢. سافَرْتُ أُسْرَةَ السَّيِّدِ فَتَّاحِي إِلَى العِرَاقِ.



٣. السَّيِّدَةُ فَاطِمَةُ فِي سَنِّ السَّبْعِينَ.



٤. هَذِهِ الأُسْرَةُ مِنْ إیرانشهر.



٥. السَّيِّدُ فَتَّاحِي حَدَادٌ.



٤- این خانواده اهل ایرانشهر هستند .
٥- آقای فتاحی آهنگر است .

١- پزشک ، برای فاطمه خانم در
نسخه قرصی نوشت .

٢- خانواده ی آقای فتاحی به عراق
مسافرت کردند .

٣- فاطمه خانم در سن هفتاد
سالگی است .

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



مَاذَا تَلْعَبِينَ؟

نَلْعَبُ كُرَةَ الْمُنْضَدَةِ.



أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟

نَذْهَبُ فَوْقَ الْجَبَلِ.

کجا می روید؟ چه بازی می کنید؟
بالای کوه می رویم. پینگ پونگ بازی می کنیم.



إِلَى أَيْنَ سَتَذْهَبَانِ يَا وُلْدَانِ؟

سَتَذْهَبُ إِلَى النَّهْرِ بَعْدَ دَقَائِقَ.



مَاذَا سَتَفْعَلَانِ يَا سَيِّدَتَانِ؟

سَتَحْمَلُ فِي الْبَيْتِ.

ای پسران کجا خواهید رفت؟
در خانه کار خواهیم کرد.
ای خانم‌ها چه کار خواهید کرد؟
چند دقیقه بعد به رودخانه خواهیم رفت.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. ﴿أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ﴾ الواقعة ۶۸

آیا پس دیدید آبی را که می نوشید؟

۲. ﴿أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ﴾ الواقعة ۵۹

آیا شما آن را می آفرینید یا ما آفریننده‌ی آن هستیم؟

۳. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ النحل ۹۰

البته خداوند به عدل و نیکی فرمان می دهد.

۴. أَيُّهَا الْفَلَاحُونَ، أَلَا تَجْمَعُونَ الْفَوَاكِهَ لِلْبَيْعِ؟

ای کشاورزان؛ آیا میوه‌ها را برای فروش جمع نمی کنید؟

۵. يَا زَيْلَاتِي، إِلَىٰ أَيْنَ تَذْهَبِينَ بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ؟

ای همسازگر دیهایم؛ بعد دو هفته کجا می روی؟

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

ترجمه کنید.

خدمت نمی کنید	لَا تَخْدِمُونَ	خدمت می کنید	تَخْدِمُونَ	دروغ نمی گوئید	لَا تَكْذِبَانِ	دروغ می گوئید	تَكْذِبَانِ
رحم می کنید	تَرْحَمَانِ	رحم کردید	رَحِمْتُمَا	پشیمان نمی شوم	لَا أَنْدَمُ	پشیمان نشدم	مَا نَدِمْتُ
کار خواهیم کرد	سَوْفَ نَعْمَلُ	کار کردیم	عَمِلْنَا	غمگین نمی شوی	لَا تَحْزَنُ	غمگین نشدی	مَا حَزَنْتَ
شاد می شوی	تَفْرَحِينَ	شاد شدی	فَرَحْتِ	شرح ندادید	مَا تَرْحُتُنُ	شرح دادید	تَرْحُتُنُ

● گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱. ماذا تَفْعَلُ؟ عَنْ مِفْتَاحِ الْعُرْفَةِ. ★ نَبَحْتُ أَبَحْتُ
۲. أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟ إِلَى مُنْظَمَةِ الْعَمَلِ. أَذْهَبُ نَذْهَبُ
۳. أَتَفْهَمُنَ الدُّرْسَ؟ - نَعَمْ؛ الدُّرْسَ سَهْلًا. تَفْهَمُنَ نَفْهَمُنَ
۴. أَنْتُمْ مَلَابِسَكُمْ أَمْسَ؟ ★ تَغْسِلِينَ غَسَلْتُمْ
۵. أَيُّهَا الْبَيْتَانِ، هَلْ الطَّعَامَ؟ ★ تَطْبُخُنَ تَطْبُخَانِ
- چه می کنی ؟ دنبال کلید اتاق می گردم .
 ★ کجا می روید ؟ به سازمان کار می رویم .
 آیا درس را می فهمید ؟ بله ؛ می فهمیم درس آسان است
 آیا شما دیروز لباس هایتان را شستید ؟
 ★ ای دخترها؛ آیا غذا می پزید .

● در خانه‌های جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

حُبُوبٌ / عِنْدَكُمْ / مَا بِكُمْ / صَغَطُ الدَّمِ / مُسْتَوْصَفَاتٌ / حَافِلَتَانِ / أَحَدُكُمْ / ثَانِي /
 مُبِينٌ / تَجْعَلُونَ / مَرَضُ السُّكَّرِ / خَاتَمٌ / مَرَّتَيْنِ / تَنْفَعُونَ / طَائِرَاتٌ / تَأْمُرُونَ

- | | |
|----------------------|-------------------|
| ۱. یکی از شما | ۹. آشکار |
| ۲. قرص‌ها | ۱۰. انگشتر |
| ۳. دوم | ۱۱. قرار می‌دهید |
| ۴. دو اتوبوس | ۱۲. بیماری قند |
| ۵. درمانگاه‌ها | ۱۳. دو بار |
| ۶. فشار خون | ۱۴. فرمان می‌دهید |
| ۷. دارید | ۱۵. هواپیماها |
| ۸. شما را چه می‌شود؟ | ۱۶. سود می‌رسانید |

۱	ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	خ	گ	ن	ی	م
۲	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	خ	گ	ن	ی	م	
۳	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	خ	گ	ن	ی	م		
۴	د	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	خ	گ	ن	ی	م			
۵	هـ	و	ز	ح	ط	ق	ک	خ	گ	ن	ی	م				
۶	و	ز	ح	ط	ق	ک	خ	گ	ن	ی	م					
۷	ز	ح	ط	ق	ک	خ	گ	ن	ی	م						
۸	ح	ط	ق	ک	خ	گ	ن	ی	م							
۹	ط	ق	ک	خ	گ	ن	ی	م								
۱۰	ق	ک	خ	گ	ن	ی	م									
۱۱	ک	خ	گ	ن	ی	م										
۱۲	خ	گ	ن	ی	م											
۱۳	گ	ن	ی	م												
۱۴	ن	ی	م													
۱۵	ی	م														
۱۶	م															



حُبِّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ

رسول الله ﷺ

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

(گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید.

سافرتُ ثلاثَ مرَّاتٍ	۱- چند بار به کربلا سفر کردی؟
أذهبُ لزيارةِ بيتِ الله الحرامِ	۲- چرا به مکه می روی؟
نَعَمْ أَعرفُ هذه اللُّغَةَ .	۳- آیا زبان عربی را می دانی؟
مع والِدَيَّ ، أربعُ نِفراتٍ	تعداد افراد خانواده ات چند تاست؟
الکُتُبَ و الدَّفَاتِرَ و الأَقلامَ .	در کیفیت چیست؟

۱. کَم مَرَّةٍ سافرتُ (سافرت) إلى كَرْبِلاءَ؟
۲. لِمَ اذْهَبُ تَذْهَبُ (تذهبین) إلى مَكَّةَ؟
۳. هَلْ تَعْرِفُ (تعرفین) اللُّغَةَ العَرَبِيَّةَ؟
۴. کَم عَدَدُ أَفرادِ أُسْرَتِكَ (أسرتک)؟
۵. ما ذا في حَقِيقَتِكَ (حقیقتک)؟

مهم

ساختار درس دوم تا ششم

فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما شاد می شویم.	نَحْنُ نَفْرَحُ.	من شاد می شوم.	أَنَا أَفْرَحُ.
شما شاد می شوید.	أَنْتُمْ تَفْرَحُونَ. أَنْتُنَّ تَفْرَحْنَ. أَنْتُمْ تَفْرَحَانِ.	تو شاد می شوی.	أَنْتِ تَفْرَحُ. أَنْتِ تَفْرَحِينَ.
آنها شاد می شوند.	درس ۸ و ۹	او شاد می شود.	هُوَ يَفْرَحُ. هِيَ تَفْرَحُ.

نورُ السَّمَاءِ

بخوانید و ترجمه کنید.

﴿... لا أقول لكم عندي خزائن الله ولا أعلم الغيب﴾ الانعام ۵۰

«به شما نمی گویم گنجینه های خدا نزد من است و غیب نمی دانم.»

﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ النور ۳۵

«خداوند برای مردم مثال ها می زند و خدا به هر چیزی آگاه است.»

﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ البقرة ۲۱۶

و خدا می داند و شما نمی دانید.

قرائت درس